



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری: ۷۵ دقیقه



سید بهروز پرتوی

نام آزمون: ادبیات دوازدهم تشریحی (سری سوم)

تاریخ آزمون:

- ۱ در سرودهٔ «اما خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید»، ترکیب «درهای زندگی»، یک اضافهٔ استعاری است یا تشبیهی؟
الف ترکیب «درهای زندگی»، یک اضافهٔ استعاری است یا تشبیهی؟
ب مفهوم کنایهٔ «در به روی کسی گشودن» را بنویسید.
- ۲ در هریک از موارد زیر، مفهوم بخش‌های مشخص شده را بنویسید.
الف در اواخر عمر با بنده مألوف بودند و کاسه کوزه یکی شده بودیم.
ب پشت دستم را داغ کردم که تا من باشم دیگر پیرامون ترفیع رتبه نگردم.
- ۳ در عبارت زیر، املائی درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.
الف صدایی که می‌آمد (هزین‌ترین / حزین‌ترین) و عاشقانه‌ترین صدایی بود که می‌آمد.
ب سیاوش چنین گفت که ای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت (خار / خوار)
پ خوان هفتم را / / آن (هریوه / حریوه) خوب و پاک آیین روایت کرد /
ت با توجه به ابیات زیر، به پرسش‌های داده‌شده، پاسخ دهید.
- ۴ اگر خونین دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام به آن کس می‌رسد زین گنج بسیار که باشد شادمانی را سزاوار
الف مفهوم نشانهٔ «ان» در واژهٔ «خندان» چیست؟
ب در بیت دوم جملهٔ «هسته (پایه)» و جملهٔ «وابسته (پیرو)» را مشخص کنید.
- ۵ اشعار و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید:
الف چوک ز شاخ درخت خویشتن آویخته زاغ سیه بر دو بال غالبه آمیخته
ب گم بود در عمیق زمین شانه ی بهار
پ آری اکنون تهمتن با رخس غیرت مند / در بُن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان، گم بود،
ت بگرای چو اثردهای گرزه بخروش چو شیر شرزه ارغند
ث شیخ بو عبدالله بشکست و با خویش رسید و داست که ترکی عظیم از وی در وجود آمد.
- ۶ معنی و مفهوم هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.
الف نان را از من بگیر اگر می‌خواهی / هوا را از من بگیر، اما / خنده‌ات را نه
ب در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملّتی که مردم صاحب‌قلم نداشت
پ چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند
ت آن که او را شناسد، دوری او را تحمل نتواند کرد و آن که بدو رو آرد، بدو نتواند رسید.
ث شش دانگ حواسم پیش مصطفی است که نکند بوی غاز چنان مستش کند که دامنش از دست برود.



ج پرده ناموسِ بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای مُنگر نبرد.

۷

مفهوم هریک از کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف این سال نو به شما مبارک باشد و هزار سال به این سال‌ها برسید.

ب دیدم ماشاءالله چشم بد دور، آقا وا ترقیده‌اند.

۸ معنی هر یک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

الف

برکن زبن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکند

ب یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.

پ

هر کسی از ظنّ خود شد یار من از درون من نجست اسرار من

ت

با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو

ث

بدان که که شد پیش کاووس باز فرود آمد از باره بردش نماز

ج

چون فرود آیی به وادی طلب پیشت آید هر زمانی صد تعب

۹ در بیت زیر، آرایه‌های «تشبیه، استعاره، پارادوکس، واج‌آرایی» را مشخص کنید.

«بعد از این، وادی عشق آید پدید غرق آتش شد کسی کانجا رسید»

۱۰ معنای واژه «همت» را در بیت‌های زیر بررسی کنید.

الف) همت اگر سلسله‌جنبان شود مور تواند که سلیمان شود (وحشی بافقی)

ب) همت بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم (حافظ)

۱۱ «مشبه» و «مشبه‌به» را در عبارت زیر مشخص کنید.

«بهشت در برابر سیمرغ چون ذره در برابر خورشید است.»

۱۲ بیت زیر به کدام وادی اشاره دارد؟

«از من اثری نماند این عشق چیست؟ چون من همه معشوق شدم عاشق کیست؟»

۱۳ با توجه به مصرع اول بیت زیر مسندها را مشخص کنید.

«عاشق آن باشد که چون آتش بود گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود»

۱۴ نام چهار آرایه بیت زیر را بنویسید.

کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟

۱۵ معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

خاطرات سفر مراجعه برای من تداعی شد.

۱۶ در بیت «نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است»، بین کدام کلمه‌ها تناسب واژه‌ای برقرار است؟

۱۷ در بیت زیر، نقش دستوری کدام واژه‌ها با نقش دستوری واژه قافیه یکی است؟

«ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند»

۱۸ خصوصیات چاهی را که شغاد برای کشتن رستم فراهم کرده است، بنویسید.

۱۹ با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«گویند که بطی در آب روشنایی ستاره می‌دید. پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت.»

الف کدام فرایندهای واجی و در کدام واژه‌ها دیده می‌شود؟



ب دو وابستهٔ پسین در متن بیابید و نوع آنها را بنویسید.

پ نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۲۰ معنی عبارت‌های زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.

الف سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر تو زرافشانی می‌کند و ابر گوهر.

ب نه همین مهربانی را به مهر که پاداش هر زخمهٔ سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند شیرین ایثار کند.

پ کرامت را از درختان میوه‌دار بیاموز.

ت

با این نسیم سحرخیز برخیز اگر جان سپردیم در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو

ث

دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو امروز می‌آید از باغ بوی بهار من و تو